

اصول مدیریت در قرآن

نعمت الله فیروزی



پیشرفت هر کشور و جامعه‌ای به شرایط و امکاناتی بستگی دارد و از جمله شرایطی که برای پیشرفت جامعه‌ها بیان می‌شود عبارتند از:

۱. منابع و نیروی انسانی کارآمد و مفید ۲. منابع و امکانات طبیعی و سرمایه مادی ۳. مدیریت و برنامه ریزی صحیح برای ایجاد هماهنگی میان منابع انسانی و سرمایه.

به قطع می‌توان گفت که جامعه ما از نظر انسانی و سرمایه در سطح بسیار خوبی می‌باشد و علت مهم عقب‌ماندگی مادی و حتی معنوی ما را می‌توان عدم مدیریت صحیح و درست دانست.

بنابراین ما بر آن شدیم که مدیریت درست را از قرآن کریم و پروردگار متعال جویا شویم و به خواننده محترم هم آن را بیان کنیم که در این مقاله به چند موضوع مهم و اساسی مدیریت پرداخته‌ایم:

الف) مفهوم مدیریت:

در اصطلاح، مدیریت یعنی راه بردن کار و سازمان و نظم دادن به آن و سرپرستی کردن آن. اما با توجه به آنچه از مکتب اسلام فهمیده می‌شود، این است که هر کسی که توانست مجموعه‌ای را به اهداف خود برساند، هر چند عملکرد او با هزاران دروغ و نیرنگ و سوءاستفاده و ظلم باشد نمی‌تواند مدیری الهی و توانا قلمداد شود. تعاریف فوق برای دنیای غرب مفید است که پیشرفت کار و تولید بیشتر برای آن‌ها از همه چیز مهم‌تر است.

بنابراین ما مدیریت اسلامی را اینگونه تعریف می‌کنیم:

«مدیریت، هنر و علم به کارگیری صحیح افراد و امکانات در جهت وصول به اهداف مجموعه و سازمان است، به نحوی که با موازین شرعی مغایرت نداشته باشد»

ب) ضرورت مدیریت و رهبری جامعه:

در نیازهای زندگی اگرچه ابتدایی‌ترین نیاز انسان، نیاز اقتصادی است و به فرموده پیامبر اکرم (ص): «کاد الفقر أن یكون کفراً». اما باید گفت که از نظر اهمیت اینچنین نیست، بلکه مهمترین نیاز انسان چه خودش بداند و چه نداند نیاز به وجود مدیر و رهبر می‌باشد زیرا به فرموده امام صادق (علیه‌السلام) «لو لا الحجة لساخت الارض اهلها» یعنی «اگر زمین بدون امام باشد، فرو می‌رود (و نظمش از هم می‌پاشد)» بنابراین اگر مسأله مدیریت و رهبری مطرح نباشد و چنین فردی در جامعه نباشد طبیعی است که نه اجتماعی بوجود خواهد آمد و نه امنیت اجتماعی و اقتصادی.

هنگامی که به قرآن کریم نگاه می‌کنیم خواهیم دید که خدای متعال در مورد مسأله رهبری و مدیریت جامعه اهمیت خاصی قائل است. زیرا پروردگار متعال برای اعطای هیچ نعمتی بر بشر منت ننهاده مگر در مقام اعطای نعمت رهبری و مدیر در جامعه. «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ» «آل عمران، ۱۶۴»

نکته مهم دیگر اینکه خدای سبحان در هیچ حکمی کلمه «اکملت» را به کار نبرده است. اما در موضوع رهبری و مدیریت جامعه که مسأله اعطای مقام ولایت به حضرت علی (علیه‌السلام) است چنین می‌فرماید:

«أَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي» و بدیهی است که منظور از اکمال دین، کامل شدن دین با وجود رهبر و مدیری شایسته است.

ج) اصول اخلاقی مدیریت:

مدیر و رهبر شایسته کسی است که چند اصل اخلاقی در او نهادینه باشد و می‌تواند به آن‌ها آراسته شود که برای نمونه می‌توان به تعدادی از آن‌ها اشاره کرد:

۱. توکل به خدای متعال: یکی از اساسی‌ترین اصول مدیریت از نظر اخلاقی و تربیتی، توکل به خدای سبحان می‌باشد که راهگشای مدیران جامعه اسلامی است و آیات شریفه «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران، ۱۵۹) و همچنین «فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» (توبه، ۱۲۹)

نیز بدان اشاره می‌فرماید که هرگونه نیاز و خواسته‌ای را حق تعالی است که برآورده می‌فرماید و بهترین حامی و پشتیبان انسان‌ها می‌باشد.

۲. شرح صدر: سعه یا شرح صدر یعنی ظرفیت فکری و روحی با گنجایش انسان بر ادراکات و احساساتی که بر انسان وارد می‌گردد. درباره شرح صدر و اهمیت آن می‌توان به کلام الهی اشاره کرد. وقتی خدای متعال می‌خواهد نعمت‌های خود را بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیان فرماید شرح صدر را نخستین نعمت مطرح می‌فرماید: «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ» (الشرح، ۱) یا حضرت موسی (ع) وقتی که از جانب خدای متعال مأموریت یافت، نخستین چیزی که از خدای متعال می‌خواهد شرح صدر است و می‌فرماید «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي» (طه، ۲۵)

۳. مشورت: یکی از صفات نیک و مورد پسند برای انسان‌ها، مخصوصاً مدیران قرآنی، ندانستن کبر و غرور است که نشانه‌های نبودن تکبر در مدیر، استفاده از نظرات دیگران می‌باشد. اما نکته قابل توجه در مشورت این است که به جهت عدم تجزیه مدیریت و منحرف نشدن از مسیر اصلی بهتر است که تصمیم نهایی را افرادی که در رأس مدیریت هستند، بگیرند. و همچنین با توجه به آیه شریفه «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» (آل عمران، ۱۵۹) می‌توان گفت که مشورت در چگونگی پیاده کردن و اجرای دستورات و اصول است و نه خود اصول.

۴. با مستضعفین بودن: قرآن کریم می‌فرماید که: «وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تَطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرَهُ فُرْقَانًا» (کهف، ۲۸) «با کسانی باش که پروردگار خود را صبح و عصر می‌خوانند و تنها رضای او را می‌طلبند و هرگز بخاطر زیورهای دنیا، چشمان خود را از آن‌ها برنگیر و از کسانی که قلبشان را از یاد خود غافل ساختیم اطاعت مکن. همانا که از هوای نفس پیروی کردند و کارهایشان افراطی است.» در این آیه شریفه می‌بینیم که صحبت از لحظه است یعنی ای پیامبر مأموریت اداری که حتی لحظه‌ای هم از این قشر ناتوان فاصله‌گیری و همچنین به قشر مستکبر هم نزدیک نشوی.

۵. دلسوزی و عشق به کار: مدیری کارایی خواهد داشت که عاشق کار خود بوده و از صمیم جان به آن علاقه داشته باشد که قرآن کریم درباره پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید که تو ممکن است جان عزیزت را به خاطر این مردم از دست بدهی «فَأَعْلَبُكُمْ بِأَخِي عِزْمَةَ عَلَيْهِمْ» (کهف، ۶) و یا «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ» (توبه، ۱۲۸)

د) ابزارهای مدیریت:

۱. برنامه‌ریزی: یکی از اساسی‌ترین هدف‌های پیامبران (ع) فروریختن غل و زنجیرهایی است که انسانیت را مسخ کرده و عقل‌ها را از شکوفایی و ثمر دهی بازداشته است. «وَيَضَعُ عَنْهُمْ أَصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (اعراف، ۱۵۷)

بنابراین مدیریت نباید به منزله غل و زنجیر، عاملی در عدم حرکت انسان‌ها باشد بلکه باید وسیله‌ای باشد برای رشد و تعالی فکری و روحی جوامع. در قرآن کریم به برنامه‌ریزی نگاه ویژه‌ای شده است از جمله در آیه شریفه: «وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (البقره، ۵۳) می‌فرماید که ارائه برنامه‌ای مدون و کامل از طرف مدیران، امری ضروری است که در صورت نبود آن، هر لحظه انسان‌ها به سوی لغزش می‌روند و کارایی سازمان و جامعه هم پایین می‌آید.

۲. نظارت بر مجموعه تحت مدیریت: یکی دیگر از روش‌های قرآنی مدیریت «نظارت و کنترل مجموعه تحت مدیریت» می‌باشد. که سند قرآنی این سخن، رفتار حضرت سلیمان (ع) به عنوان مدیر و رهبری مقتدر می‌باشد. «وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهَدْيَ مَا كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ» (نمل، ۲۰) شاید این تعبیر اشاره به این است که یک حکومت سازمان یافته و منظم و پرتوان، چارهای ندارد جز اینکه تمام فعل و انفعالاتی که در محیط واقع می‌شود را زیر نظر بگیرد یعنی حتی غیبت یک پرنده نیز از چشم ایشان پنهان نمی‌ماند.

۳. تعیین مسؤولیت و تقسیم کارها: اگر مسؤولیت افراد معین نشود پیامد آن نه تنها این است که همه دنبال مسؤولیت و کارهایی خواهند رفت که عنوان اجتماعی و درآمد اقتصادی آن بیشتر و زحمت آن کمتر باشد و همچنین به دلیل اختلاط و تداخل امور، بهترین زمینه سودجویی فراهم می‌شود.

خطا کردن یک کار انسانی است، اما تکرار آن یک کار حیوانی «آنانول - فرانس»

گویا قرآن کریم هم با توجه به همین واقعیات است که می‌فرماید: «و ما كان المؤمنون لينفروا كافة فلو لا نفر من كل فرقة منهم طائفة ليتفقهوا في الدين و لينذروا قومهم» (توبه، ۱۲۲) یعنی: «شایسته نیست مؤمنان همگی (به سوی میدان جهاد) کوچ کنند، چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند (وظایفه ای نمی‌ماند) تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و قومشان را بیم دهند». یعنی از مؤمنان دو چیز می‌خواهد: یکی تعیین مسؤلیت و دیگری تقسیم کارها.

۴. عدالت و دادگری: از مهمترین اوصافی که در هر مدیریتی بسیار ضروری است، «پیراستگی از ظلم و تبعیض» می‌باشد که در این زمینه قرآن کریم به صراحت می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط» (مائده، ۸)

۵. تشویق و تنبیه: دستورالعمل قرآن کریم در این باره اینگونه است که برای مثال وقتی در مورد تشویق و تنبیه مؤمنان صحبت می‌شود می‌فرماید که: «اولئک المقربون فی جنات النعیم متکئین علیها متقابلین و فاکهتة مما یتخیرون» (واقع، ۵۷-۱) و در مورد تنبیه بدکاران می‌فرماید: «ان جهنم کانت مرصداً للظالمین ما با لا یدوقون فیها برداً و لا شراباً الا حمیماً و غساقاً جزاء وفاقاً» (نبا، ۲۶-۱۸)

بنابر این می‌توان گفت دو عنصر تشویق و تنبیه برای مدیریت و رهبری امری ضروری و لازم به نظر می‌رسد که می‌تواند عاملی در حرکت و تلاش بیشتر زیر مجموعه‌های مدیریتی باشد.

۶. اقدام به موقع: از شیوه‌های مدیریت قرآنی اقدام به موقع در کارها و برنامه‌ها می‌باشد که در این زمینه آیات و روایات فراوانی در نکوهش شتاب‌ها و یا کندی در کارها آمده است. «و یدع الانسان بالشر دعاءه بالخیر و کان الانسان عجولاً» (اسراء، ۱۱). «یا ایها الذین آمنوا ان جاءکم فاسق بنباء فتبینوا ان تصیبوا قوماً بجهالة فتصبحوا علی ما فعلتم نادمین» (حجرات، ۶) بنابر این مدیریت توانا در این است که انسان در هر کاری که قدم می‌گذارد با نهایت دقت و هوشیاری و به دور از هرگونه شتابزدگی و یا اقدام دیر هنگام، جوانب آن را بررسی کند و به مرحله اجرا درآورد.

۷. برخورداری از فکر و اندیشه اقتصادی: در قرآن کریم نسبت به سرمایه و اقتصاد جامعه نکات قابل توجهی وجود دارد که در آن از اسراف و تبذیر نهی می‌شود که برای نمونه می‌توان به آیات ذیل اشاره کرد: «و لا توتوا السفهاء اموالکم التي جعل الله لکم قیاماً» (نساء، ۵) «ان المبذرين کانوا اخوان الشیاطین» (اسراء، ۲۷)

قرآن کریم همچنین غیر از اسراف به مسأله دیگر هم اشاره فرموده و آن این است که در مدیریت به مال و دارایی و حقوق مادی دیگران نیز تجاوز نکنید. «ولا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تکن تجارة عن تراض» (نساء، ۲۹)

ه) لغزشگاه‌ها و آفات مدیریت: به طور کلی همه انسان‌ها در معرض وسوسه‌های شیطانی قرار دارند و شیطان نیز برای هر کس با توجه به شرایط خاص خودش دام می‌گستراند. مثلاً جوان را به گونه‌ای فریب می‌دهد و پیری ناتوان را هم به گونه‌ای دیگر. در این میان پست و مقام یکی از زمینه‌های تسلط شیطان بر انسان است که ما در این قسمت از مقاله به آفات مدیریت از دیدگاه قرآن کریم می‌پردازیم:

۱. ریاست طلبی: یکی از صفات زشت و ناپسندی که برخی از مدیران به آن مبتلا می‌شوند، علاقه بیش از حد به ریاست می‌باشد. این‌ها ریاست را دوست دارند و به میز و صندلی، به امضاء و تعظیم و احترام دیگران در مقابل خود بسیار مغرور و علاقه‌مند هستند. در آیات بسیاری از ریاست طلبی و علاقه به آن با



یکی دیگر از روش‌های قرآنی مدیریت «نظارت و کنترل مجموعه تحت مدیریت» می‌باشد. که سند قرآنی این سخن، رفتار حضرت سلیمان (ع) به عنوان مدیر و رهبری مقتدر می‌باشد. «و تفقد الطیر فقال مالی لا اری الهددهم کان من الغائبین» (نمل، ۲۰) شاید این تعبیر اشاره به این است که یک حکومت سازمان یافته و منظم و پرتوان، چاره‌ای ندارد جز اینکه تمام فعل و انفعالاتی که در محیط واقع می‌شود را زیر نظر بگیرد یعنی حتی غیبت یک پرنده نیز از چشم ایشان پنهان نمی‌ماند.

مذمت یاد شده است: «تلك الدار الآخرة نجعلها للذين لا يريدون علواً في الأرض ولا فساداً» (قصص، ۸۳) یعنی «این سرای آخرت را (تنها) برای کسانی قرار می‌دهیم که اراده برتری جویی و فساد در زمین را ندارند.»

۲. خودستایی: از زمینه‌های گسترش فرهنگ تملق و چاپلوسی، خودستایی مدیران می‌باشد. اگر مدیری پیوسته از خودش تعریف کرده، این خودستایی زمینه ساز گرد آمدن افراد متملق نزد او می‌باشد. بر این اساس است که قرآن کریم این خصلت را به شدت نکوهش فرموده است. «الم تر الى الذين يزكون انفسهم بل الله يزكي من يشاء ولا يظلمون شيئاً» (نساء، ۴۹) یعنی: «آیا ندیدی کسانی را که خودستایی می‌کنند (این خودستایی‌ها بی‌ارزش است) بلکه خدای متعال هر کس را بخواهد ستایش می‌کند و کمترین ستمی به آن‌ها نخواهد شد.» یا در آیه شریفه دیگری می‌فرماید: «فلا تزكوا انفسكم هو اعلم بمن اتقى» (نجم، ۳۲).

۳. رشوه و پول‌سالاری: پول‌سالاری و پول‌مداری آفتی بزرگ و مصداق بارز فساد اداری در همه عرصه‌ها می‌باشد و از نظر اسلام پذیرش و دادن رشوه حرام است و در حقیقت این رشوه‌دهندگان هستند که رشوه‌گیرنده را پرورش می‌دهند

قرآن کریم هم در این مورد نظر خود را این‌گونه به صراحت بیان می‌فرماید: «و لا تأكلوا اموالكم بالباطل و تدلوا بها الى الاحكام لتأكلوا فريقاً من اموال الناس بالاثم و انتم تعلمون» یعنی «و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه (قسمتی از آن را) به عنوان رشوه) به قضات (و حاکمان و مدیران) ندهید در حالی که می‌دانید (این کار گناه است).» (بقره، ۱۸۸)

۴. پارتی‌بازی (واسطه‌گری منفی): پارتی‌بازی سم بسیار خطرناک و مهلکی برای یک مدیریت کارآمد می‌باشد. زیرا در چنین حالت و گزینشی، دیگر سخن از «شایسته‌سالاری» نیست و سپردن کارها هم به انسان‌های نالایق نتیجه‌ای جز شکست تشکیلاتی و سازمانی ندارد. پارتی‌بازی از دیدگاه قرآن کریم در مقابل وساطت به امر خیر می‌باشد که قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «من يشفع شفاعة حسنة يكن له كفل منها و كان الله على كل شيء مقیتاً» (نساء، ۸۵) یعنی: «کسی که شفاعت (تشویق و کمک) به کار نیکی کند، نصیبی از آن برای او خواهد بود و کسی که شفاعت (تشویق و کمک) به کار بدی کند سهمی از آن خواهد داشت و خدای متعال، حسابرس و نگهدار هر چیزی است.» و باید در جامعه و سازمان‌ها قاطعانه با این آفت بزرگ پارتی‌بازی یا به عبارتی حاکمیت رابطه بر ضابطه، مبارزه کرد.



ی) با توجه به اهمیت این موضوع که جامعه ما به مدیریت درست و صحیح بیش از همیشه نیازمند است. این نکته به نظر می‌رسد که وظیفه همه ما رسیدن به معنای واقعی مدیریت می‌باشد و این امر محقق نمی‌شود جز اینکه همه ما به کتاب الهی و احادیث اهل بیت (ع) در این زمینه روی آوریم. از خواننده محترم تقاضا می‌شود که برای درک بیشتر مطالب، به آیات قرآن کریم در این زمینه رجوع کنند و تأمل بیشتری در این زمینه بفرمایند که قطعاً آیات الهی برای همگان مایه هدایت و سعادت و روشنی بخش مسیر زندگی خواهد بود.

منابع:

۱. قرآن کریم
۲. مدیریت در قرآن، محمد رضا شعبانی
۳. مدیریت اسلامی، محمد حسن نبوی
۴. مدیریت از دیدگاه قرآن و حدیث، سید احمد خاتمی
۵. قرآن و مدیریت راستین، محمد جواد علیزاده
۶. اصول مدیریت از دیدگاه قرآن کریم و احادیث، شهین لودین.

نعمت‌الله فیروزی

سال سوم کارشناسی علوم قرآنی